نگرش تطبیقی به الگوهای جدید رهبری در دیدگاه غربی و اسلامی

دکتر محمدرضا ربیعی مندجین[۱]، محمد نیکبخت[۲*]

۱- استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، M.Rabiee2012@Yahoo.Com
۲- دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، MO.Nikbakht@Yahoo.Com

چکیده

رهبری از جمله مسائل بسیار مهم در هر سازمان و تیمی است. به بیان دیگر، رهبران اثربخش، اساسی‌ترین و نایاب‌ترین منابع هر سازمانی هستند. تفاوت اساسی میان یک سازمان موفق و ناموفق، غالباً بر مبنای مؤلفه رهبری تعریف می‌شود تا بتواند باعث انگیزه و فعالیت کارکنان شود. در زمینه رهبری مطالعات فراوانی انجام شده است و در نهایت سبک‌ها و نظریات متفاوتی ارائه شده است. این نظریه‌ها در طی زمان تکمیل شده‌اند اما دانشمندان همچنان به اثربخشی هر سبک رهبری در موقعیت خاص خود، اعتقاد دارند. در این پژوهش به روش کتابخانه‌ای مطالعات مختلف در مورد رهبری و سبک‌های مختلف را از دیدگاه غربی و مدیریت و اسلامی را بررسی کردیم . در این بررسی‌ها، بر اهیمت ویژه استفاده از سبک رهبری کریمانه و مولفه ها و سازگاری آن با جامعه اسلامی تاکید شده است. این سبک در بسیاری از کتب اسلامی به عنوان سبک برتر و راهنمای مدیران و رهبران در روش برخورد با کارکنان سازمانی توصیه شده است.

واژه‌های کلیدی: رهبری در اسلام، مدیریت اسلامی، سبک رهبری کریمانه، سبک‌های رهبری، سبکهای رهبری در اسلام

۱- مقدمه

رهبری و مدیریت اغلب یکسان انگاشته میشوند اما میان آنها تفاوت مهمی وجود دارد. رهبری فرآیندی گسترده تر و جامعتر از مدیریت است. مدیریت نوعی رهبری است که در آن دستیابی به اهداف سازمانی دارای اهمیت بیشتری است. علت اصلی توجه محققان به مسئلهٔ رهبری آن است که رهبری نقشی حیاتی در پویایی و بالندگی سازمان ایفا میکند و موفقیت بسیاری از سازمان ها به سبب وجود رهبران قوی و اثربخش بوده است. از سوی دیگر، شاید بتوان ادعا کرد که جوهره مدیریت رهبری است و "بکارگیری منابع انسانی" که در تعریف مدیریت لحاظ شده، در واقع از طریق نوع تعامل میان رهبر و پیرو، و رئیس و کارمند محقق می شود [۱]. مدیریت به شکل های مختلف و متفاوت در طول تاریخ وجود داشته و به صور گوناگون، زمینه پایداری و دوام و قوام تمدن ها و حکومت ها را فراهم ساخته است. با پیشرفت علم و افزایش آگاهی بشر در استفاده از امکانات و توانایی های خود، تأثیر مدیریت در پیشرفت بشر نیز فزونی یافت و همراه با آن، نظریه‌های مختلف و متفاوتی که از منظرهای گوناگون به انسان نگاه میکردند نیز ارایه گردید.

در مدیریت اسلامی، تولید و افزایش ثروت درجامعه به عنوان محصول علم (دانشی که پدیده‌های مختلف را تفسیر و روابط میان آنها را با یکدیگر تعیین می کند) و تعالی انسان به عنوان محصول مکتب، از جمله رسالت های مهم یک مدیر اسلامی محسوب می شود[۲]. امروزه تعالی انسانها، یکی از وظایف و نقشهای کلیدی"رهبری" سازمانها به عنوان ماهیتی متفاوت با "مدیریت" به حساب آمده؛ به طوری که ایفای این دو نقش به عنوان نقشهای کاملاً متفاوت و مکمّل، جزء شروط